

«ازدواج آرامش، ازدواج امّیده» و چند نکته

در هفته‌های اخیر، هم‌زمانی دو جریان متفاوت در حوزه ازدواج بار دیگر توجه را به رابطه میان قانون‌گذاری و فرهنگسازی برای ترغیب جوانان به ازدواج جلب کرد.



در هفته‌های اخیر، هم‌زمانی دو جریان متفاوت در حوزه ازدواج بار دیگر توجه را به رابطه میان قانون‌گذاری و فرهنگسازی برای ترغیب جوانان به ازدواج جلب کرد. از یک سو، تغییرات مطرح شده درباره مهریه و نوع ضمانت اجرای آن، بحث‌های تازه‌ای درباره امنیت روانی و حقوقی ازدواج شکل داده است. از سوی دیگر، انتشار سرودهایی با مضمون تشویق به ازدواج، فضای دیگری را شکل داده که در آن ازدواج به عنوان عاملی برای رهایی از تردیدها نمایش داده می‌شود. کنار هم قرار گرفتن این دو روند، تصویری تازه از وضعیت سیاست‌گذاری در حوزه خانواده می‌سازد که نشان می‌دهد فرهنگسازی و قانون‌گذاری در یک راستا

حرکت نمی‌کنند. در لایه نخست، بحث‌های مربوط به مهریه بیش از آنکه متوجه اصل ازدواج باشد، نگرانی‌هایی را درباره احساس امنیت در روابط زناشویی ایجاد کرده است. حتی بدون ورود به جزئیات حقوقی، برخی معتقدند هر تغییری در ضمانت‌های قانونی، اثر مستقیم بر ذهنیت جامعه دارد. برای بخشی از خانواده‌ها و به ویژه دختران، این تغییرات علامتی است از اینکه مهریه به عنوان بخشی از پشتوانه سنتی ازدواج که می‌توانست تضمین‌کننده آن دسته از حقوقی باشد که زن به محض امضای عقدنامه به مرد تفویض می‌کند، کم رنگ شده و باید با احتیاط بیشتری ازدواج کرد.

این وضعیت، صرف نظر از درستی یا نادرستی تحلیل‌ها، به شکل طبیعی فضای ذهنی ازدواج را پیچیده‌تر می‌کند. دختری که در آستانه تصمیم‌گیری برای یکی از مهم‌ترین اتفاقات زندگی‌اش است، بیش از پیش با پرسش‌هایی روبه‌رو می‌شود که آیا اصلاً ورود به یک رابطه بلندمدت با پشتوانه‌های حقوقی کمتر، می‌تواند آرامشی را که یک سرود به او وعده می‌دهد تا به ازدواج ترغیبش کند، فراهم می‌کند یا خیر؟

از سوی دیگر در لایه‌های فرهنگی یکی از پررنگ‌ترین موضوعات پیرامون ازدواج، رونق واسطه‌گری برای آن در چند سال اخیر است؛ از سایت‌های همسریابی دارای مجوزهای قانونی گرفته تا دعوت تلویزیون از کسانی که خود را «کارشناس _ واسطه‌گر» معرفی می‌کنند به برنامه‌های مختلف و حتی این اواخر خواندن سرود گروهی در مدح ازدواج و واسطه‌گری، توسط دخترانی که مشخص است تازه به سن تکلیف رسیده‌اند؛ تلاش‌هایی که مخاطب هدفش به شکل واضح قشر مذهبی و سنتی‌تر جامعه است.

ازدواج رد شدن از پل‌های تردیده؟

تولید محتواهایی با محوریت تشویق به ازدواج از جمله خواندن ترجیع‌بند «ازدواج آرامش، ازدواج امّیده، ازدواج رد شدن از پل‌های تردیده» تلاش دارد از ازدواج تصویری بسازد که در آن ازدواج پیچیدگی و دلهره ندارد و حتی نیاز چندانی هم به ملاحظات حقوقی نیست. ازدواج در اینجا بیش از هر چیز، یک تجربه احساسی و مثبت معرفی می‌شود؛ تجربه‌ای که قرار است مسیر زندگی را روشن‌تر کند. اینگونه اقدامات بخشی از سیاست فرهنگی در سال‌های اخیر است که می‌کوشد ازدواج را با ادبیات انگیزشی یک اتفاق صرفاً جذاب و بدون چالش معرفی کند. در این قالب، ازدواج نه یک تصمیم پیچیده، بلکه مسیری طبیعی برای رسیدن به ثبات و گذر از تردیدها معرفی می‌شود.

اما هم‌زمانی این دو اتفاق یعنی **اصلاح «قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی-مهریه»** و سرودهای انگیزشی برای ترغیب به ازدواج، جامعه را با نوعی دوگانگی مواجه می‌کند. شکاف میان این دو اتفاق، پیام‌ها درباره ازدواج را چندپاره نشان می‌دهد که معلوم نیست بالاخره ازدواج تضمینی برای آرامش در زندگی است یا قراردادی حقوقی و قانونی است که باید به دقت به تمام بندهای آن از جمله حقوقی از زن که به مرد می‌رسد و میزان مهریه و نوع ضمانت اجرای آن و... دقت کافی داشت؟ همین دوگانگی است که در عمل بخشی از سردرگمی موجود درباره ازدواج را توضیح می‌دهد. جوانی که یک روز تیتیر تغییر قانون را می‌بیند و روز دیگر سرودی درباره آرامش ازدواج می‌شنود، ناخواسته با این سوال روبه‌رو می‌شود که کدام تصویر به واقعیت نزدیک‌تر است؟

فرهنگسازی به تنهایی پاسخگو نیست

این دوگانگی اثر مستقیم بر رفتار اجتماعی دارد. خانواده‌هایی که دختر و پسر دم‌بخت دارند در صحبت‌های روزمره، بیشتر از گذشته به ابعاد حقوقی و مالی ازدواج توجه می‌کنند. برای بسیاری از دختران، این پرسش مطرح است که رابطه‌ای که پشتوانه‌های آن برای احقاق حقوق قانونی کم‌رنگ‌تر شده است، چگونه می‌تواند امنیت بلندمدت ایجاد کند؟ همین مانع ذهنی است که بیش از هر چیز در سال‌های اخیر روند ازدواج را تحت تأثیر قرار داده است. در این شرایط هر چقدر تصویر فرهنگی از ازدواج یک دست‌تر و مثبت‌تر شود، مسائل حقوقی و قانونی، پیچیدگی‌های موضوع را بیشتر می‌کنند و همین امر سبب می‌شود فرهنگسازی کارکرد مورد انتظار را پیدا نکند. جامعه پیام‌های شعاری را پس می‌زند چون احساس می‌کند بخشی از واقعیت دیده نمی‌شود. این حس باعث می‌شود پیام‌های تشویقی، اثرگذاری محدود داشته باشند و حتی در برخی موارد نتیجه معکوس بدهند.

در چنین فضایی، ازدواج بیش از آنکه نیازمند تبلیغ باشد، محتاج سیاست‌گذاری هماهنگ است؛ سیاستی که میان تصویر فرهنگی و واقعیت حقوقی فاصله ایجاد نکند و در عین حال شرایط اقتصادی را هم در نظر بگیرد. امروز به نظر می‌رسد بدون تقویت لایه حقوقی و ایجاد احساس امنیت پایدار، لایه فرهنگی نمی‌تواند به تنهایی جوانان را به ازدواج ترغیب کند.

شعار دادن را فراموش کنید

در این میان نمی توان این نکته را نادیده گرفت که پیام های فرهنگی و سیاست های تشویقی زمانی اثرگذارند که با تجربه زیسته مردم سازگار باشند. نسل جدید در فضای پیچیده تری نسبت به نسل های قبل زندگی می کند؛ وابستگی های مالی به خانواده، طولانی شدن زمان تحصیلات، داشتن هدف مهاجرت، تغییر ارزش ها و... همه زمینه هایی هستند که تصمیم برای ازدواج را دشوارتر کرده اند. بنابراین، هر تغییری که احساس ناامنی حقوقی را افزایش دهد، به طور طبیعی با مقاومت ذهنی روبه رو خواهد شد. در مقابل، پیام هایی که ازدواج را ساده و بی دغدغه نمایش می دهند، در رقابت با واقعیت روزمره نه تنها کم اثر می شوند که ابعاد دیگری از آنها برای مخاطب پررنگ می شود؛ از جمله اینکه اصلاً چرا باید تعدادی دختر نوجوان سرودی برای ازدواج بخوانند؟ پخش این کلیپ با انتقادهای بسیاری در زمینه ترویج کودک همسری مواجه شده است. وضعیتی که شرح داده شد، ازدواج را وارد مرحله ای از ابهام می کند که ناشی از ناهماهنگی میان بخش های مختلف سیاست گذاری است. فرهنگسازی واقعی درباره ازدواج در روزگار فعلی زمانی معنا پیدا می کند که بدون نگاه شعاری حقایق مختلفی از جمله بار حقوقی «قرارداد ازدواج» را در قالب های مختلفی از سریال و فیلم گرفته تا ساخت ویدیوهای کوتاه برای شبکه های اجتماعی آن هم با بیانی واضح و بدون جانبداری برای گروه های مختلف روشن کنیم.

اگر قرار است ازدواج دوباره به اولویت ذهنی نسل جوان تبدیل شود، نیاز به یک نگاه منسجم و به دور از شعارزدگی وجود دارد. نسل امروز با هر فکر و عقیده ای بیش از آنکه به پیام های انگیزشی سفارشی احتیاج داشته باشد تا به دنبال ازدواج برود، نیازمند حس ثبات و اطمینان است. هر تغییری که بتواند این اطمینان را تقویت کند، در بلندمدت اثرگذار است. در مقابل، هر اقدامی که احساس بی پشتوانه بودن پس از ازدواج را افزایش دهد، به مانع ذهنی تبدیل می شود؛ حتی اگر هم زمان ده ها کلیپ و سرود، ازدواج را تجربه ای آرام و بدون تردید معرفی کنند. گفت وگو درباره ازدواج نیازمند نگاه چندبعدی است؛ نگاهی که نه صرفاً بر تغییرات حقوقی متمرکز شود و نه فرهنگسازی را تنها راه حل بداند.